

به‌بهانه انتشار کتاب «ضرب‌المثل‌های منظوم فارسی»:

## مثل، گوهر بی بدیل فرهنگ ملی

مثل، به‌مثابه نمودی برجسته، در مجموعه‌ی هنر ملی جایی خاص را به‌خود اختصاص داده است.

وجه مثبت و معتبر در تعریف مثل، آن خاصیتی است که موجب می‌شود تا کلامی در تداول عامه، مقامی پایدار کسب کند. به عبارت صریح‌تر، سخن منظوم و منثور است که حامل پیامی مشخص است، وقتی اعتبار مثل را به‌دست می‌آورد که در گفتار مردم تکرار شود و کاربرد یابد.<sup>۱</sup> این‌که چه کلامی - منظوم یا منثور - مثل است و حد و مرز تعریفی که قلمرو مثل را در برمی‌گیرد؛ کدام است، البته بسیار دشوار است.<sup>۲</sup> ولی ره یافتن آن کلام در حریم قبول خاطر عوام، یکی از مهم‌ترین پایه‌های تعریف مثل است، زیرا در تحلیل نهایی آنچه که سرنوشت شعر یا سخن را، که می‌باید حکم مثل را یابد، تعیین می‌کند، همین «قبول خاطر عامه» است. و هنر ملی از همین راستا کسب تشخیص و هویت می‌کند. ویژگی آنچه که از آن به‌عنوان «هنر ملی» یاد می‌کنند، در واقع تأثیری است که از هنر عوام گرفته است، زیرا که هنر ملی پویا و فعال است و عناصر تشکیل دهنده آن همواره با نیازهای جامعه پیوند دارد و براساس واقعیت‌های ملموس زمانه تغییر می‌کند، آینه تمام‌نمای آن حقایقی است که در درون زندگی مردم جریان دارد. و رسالتی را تعیین می‌کند که هنرمند؛ اگر خود را «هنرمند ملی» می‌داند، باید بر آن باور داشته و در تحقق آن کوشا باشد.

هدفی که هنر ملی القاء می‌کند، ریشه در موثرترین عناصر گذشته و حال دارد و از اتحاد این دو فراهم می‌آید. و چون دارای چنین کیفیتی است، درون‌گرا و منزوی و انحصاری نیست. حتی در حصار مرزهای حقوقی دارای چنین کیفیتی است، درون‌گرا و منزوی و انحصاری نیست، حتی در حصار مرزهای حقوقی ملتها و کشورها باقی نمی‌ماند، بلکه برای همه ملتها دارای

۱. یک جلد آریان‌پور جامعه‌شناسی هنر، چاپ سوم ۱۳۵۴، ص ۱۵۷

۲. همان کتاب، همان صفحه.

معنی و مفهوم است. چرا که عناصر مادی و معنوی که پایه‌های اصلی فرهنگ معنوی ملت‌ها را می‌سازد، سرشار از زمینه‌های مشترک است. یکی از محققان گفته است: هنر ملی، بنیاد هنر بین‌المللی است. هنر هرچه ملی‌تر باشد، استیلائی مکانی و زمانی پهناتری خواهد داشت.<sup>۱</sup> فرهنگ ملی ایران، با ویژگی‌های ممتاز و بدیعش، دینی بسیار بزرگ برگردن فرزندان اندیشه‌ورز خود دارد که بخش عظیمی از آن هنوز ادا نشده است.

تنها به‌عنوان اشاره به یکی از این نوع زمینه‌ها، می‌توان از جامعه‌شناسی مثل‌ها یاد کرد. جامعه‌شناسی مثل‌های ایرانی طرحی بزرگ است و درینجا که هنوز در کشور ما سامان نیافته است. هم از این روگردآوری مثل و کوششهایی از این دست می‌تواند گامی در خور ارزش در راه آن طرح بزرگ به حساب آید. کتاب «ضرب‌المثل‌های منظوم فارسی» تالیف «محمدعلی حقیقت‌سمانی» که در آغاز سال جاری به بازار کتاب عرضه شده است، نمونه‌ای با ارزش در این قلمرو است.

گردآورنده مثل، هرچه محمل‌های موضوعی و نمودهای جنبی و دامنه‌تقسیمات مضمونی کار خود را گسترده‌تر کند، گام‌هایش را برای تحقیق آن طرح بزرگ بلندتر و استوارتر و بالطبع معتبرتر و ثمربخش‌تر برداشته است.

اعتبار کتاب «ضرب‌المثل‌های منظوم فارسی» از جمله در این است که گردآورنده صاحب ذوق آن قلمرو کار خود را از گردآوری صرف فراتر برده است.

هدف اصلی او اگرچه فراهم آوردن ضرب‌المثل‌های منظوم و مصرع دوم تک‌بیت‌های معروف بوده است اما در کنار آن به تفنن‌هایی سودآور نیز دست یازیده است:

- بسیاری از تک‌بیت‌های معروفی که پاره‌های قبل یا بعد یا سراینده آنها برای همه شناخته نیست، معرفی گردیده است. آن دسته از مردم صاحب ذوقی که شعری معروف را به یاد دارند، ولی گوینده‌اش را نمی‌شناسند، یا مصرعی از یک بیت مشهور را شنیده‌اند، ولی مصرع یا ابیات بعدی را نمی‌دانند، گمشده خود را به احتمال زیاد در این مجموعه خواهند یافت.

- برآشعاری که پیامی و اندرزی سودمند و سازنده با خود دارند، تأکید شده است.

- از میان هر موضوع مثلی، مشهورترین شعر، پایه قرار داده شده و سپس اشعار متعددی را

که شاعران مختلف در همان موضوع ساخته‌اند، آورده است.

- در موارد مختلف به‌خاستگاه مثل، یا داستانی که موجب خلق آن مثل شده است، اشاره

رفته است.

- اصول فنی تحقیق، تا جایی که ممکن بوده و ضرورت داشته، رعایت شده است.

---

۱. استاد احمد بهمنیار نیز سخن را که مشتمل بر تمثیل است بدینگونه تفسیر می‌کند: هرگاه بین عامه مردم و طبقاتی که اکثریت را تشکیل می‌دهند شایع و رایج شود، جزء امثال ساثره محسوب می‌شود. (داستان‌نامه بهمنیاری، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۹، صفحه ک).

- در زیرنویس‌های صفحات در باب واژگان دشوار، اسامی خاص، نام جای‌ها و دیگر اشارات ضروری توضیحات کافی داده شده است. گرچه متأسفانه فهرست اعلام بر کتاب تنظیم نشده است.

- منابعی که از آن‌ها برای ادای توضیحات و شرح دشواری‌ها استفاده شده، معرفی شده‌اند. علاوه بر این در کتاب‌شناسی پایان کتاب، منابع اصلی نیز فهرست گردیده است.

- شعرها به ترتیب حرف اول مشهورترین مصرع شعر که جنبه مثلی یافته، به شیوه الفبایی قرار گرفته و خواننده در بیشتر موارد می‌تواند به مثل مطلوب خود راهنمایی شود. باید توجه داشت مسئله اتخاذ شیوه‌ای که خواننده به آسانی بتواند به مثل مورد نیاز خود دست‌یابد، مشکلی است که به تقریب تمام گردآورندگان ضرب‌المثل‌ها و از جمله مؤلف کتاب حاضر با آن رو به‌رو بوده و هستند.

چنانکه می‌دانیم مثلاً، گنجینه‌هایی هستند که سینه به سینه منتقل می‌شوند و در تداول مردم تغییر صورت می‌دهند. به آنها اضافه یا از آنها کاسته می‌شود، در شرایط مطلوب اگر در کلمات آنها تغییری داده نشود، در ترکیب آنها، کلمات جابه‌جا می‌شوند، صورت استعمال مثل در مناطق جغرافیایی مختلف دگرگونی می‌یابد.

اگرچه در شعرهای مثلی، نسبت به مثل‌های منثور این تغییرات کمتر است، اما عوام، گاهی در ساختار شعری مثل، نیز تحریف و تصرف می‌کنند. اگر حتی این دستبرد نیز صورت نگیرد، ممکن است مثلی که در شعر جای داده شده حرفی یا کلمه‌ای پیش از خود داشته باشد مانند این مثل: به کدام ساز باید رقصید؟

یا مثل: سوراخ دعا را گم کرده‌ای، که در شعر مولوی به صورت: لیک سوراخ دعا گم کرده‌ای درآمده و کلمه لیک به آن اضافه شده است. نمونه‌ها در این زمینه بسیار زیاد است.

این صورت‌بندی‌های متفاوت، گردآورندگان را در ترتیب الفبایی مثل دچار مشکل می‌کند. (اما چنانکه اشاره شد، کتاب حاضر بسبب منظوم بودن مثلاً با این نوع مشکلات به‌ندرت درگیر بوده است.)

در زمان ما، پژوهشگران روشهایی برگزیده‌اند که به مقیاس وسیعی این مشکلات را کاهش می‌دهد. موضوعی کردن مثلاً و فهرست کردن صورت‌بندیهای مختلف امثال (صورت‌گوناگون کاربرد یک مثل را تماماً در فهرست آوردن) و همچنین مشخص کردن حوزه‌های علمی و اصطلاحی مثل، کنایه، اصطلاح، کلمات قصار، حکم و غیره از جمله این گونه تمهیدات است<sup>۱</sup> برای هر شعر مثلی، اجزایی فرعی نیز آورده شده که عبارتند از:

۱- نظیر: که طی آن مضمون شعر اصلی در بیت دیگری آمده است. مانند این شعر سعدی که

۱. در مقدمه‌ای که استاد بهمنیار برداستان‌نامه بهمنیاری نوشته، توضیحات مفصلی پیرامون مثل، خاستگاه، تعاریف و کاربردهای آن داده است.

مثل شده است:

یک داغ دل بس است برای قبیله‌ای

(روشن شود هزار چراغ از فتیله‌ای)

که نظیر آن را خود سعدی چنین آورده است:

صد مشعله افروخته گردد به چراغی

آن نور توداری و دگر مقتبسانند.

۲- تمثّل: که طی آن شاعر دیگری از شعر مثلی سودجسته است. مانند شعر زیر که فریدون

توللی به شعر سعدی تمثیل کرده است:

امشب مگر به وقت نمی سوزد این چراغ

یا خود نگشته روشنم از تاب می، دماغ

«روشن شود هزار چراغ از فتیله‌ای»

ما را فتیله هست و نمی سوزد این چراغ

۳- خلاف: اشاره به شعری است که مضمونی خلاف موضوع اصلی مثل را دربر دارد. مانند

این مثل معروف:

روبرو بودن به از پهلو بود

(هرکه را میل خم ابرو بود)

که خلاف آن چنین آمده است:

روبرو بودن نشان دشمنی است

یسار آن باشد که در پهلو بود

یا این شعر مثلی صائب که:

درون خانه خود هرگذا شهنشاهی ست

قدم برون منه از حدّ خویش و سلطان باش

که خلاف آنرا سعدی چنین آورده است:

تا به دکان و خانه در گروی

هرگز ای خام، آدمی نشوی

برواندر جهان تفرج کن

بیش از آن روز کز جهان بروی

- اشارات جنبی که حامل تک بیت‌ها، رباعی‌ها، تکه‌هایی از یک مثنوی، تمامی یک غزل،

اخوانیات، که با توضیحات و اطلاعات سودمندی همراه است، بر لطف و جذابیت کتاب افزوده

است و به آن ارزش یک جُنک سرگرم‌کننده، ثمربخش و خواندنی بخشیده است.

- برخی از شعرها، یادآور پاره‌ای از رخداد‌های سیاسی و اجتماعی است. گهگاه

به نمونه‌هایی از این رخدادها، خاصه آنها که در ۵۰ سال اخیر تاریخ ایران پیش آمده‌اند، اشاراتی کافی شده است.

گردآورنده، هدف خود را از این اشارات «تقویت حس ایمان، مهین‌دوستی، راستگویی، صداقت، بردباری، شجاعت، آزادگی، شرافت و انسانیّت نسل جوان» عنوان کرده است. در کنار و گوشه کتاب خاطراتی چند از اندیشمندان و شاعران نقل شده است. این خاطره‌ها که به نحوی با مثلی از کتاب پیوند دارند، بر تنوع کتاب افزوده‌اند. علاوه بر آن موجب گسترده‌گی توضیحات و جنبه‌های کاربردی مثل شده‌اند.

کتاب «ضرب‌المثل‌های منظوم فارسی» جلوه‌های مثل را در ادب رسمی و به عبارت روشن‌تر، در شعر شاعران صاحب نام فارسی باز جسته و فراهم آورده است. بدیهی است که ارزش این کار در حدّ خود معین است.

پژوهشگران از دیرباز بین ادب رسمی و فرهنگ عامه مرزهایی قائل شده‌اند. در حقیقت نیز بازتاب‌های مثلی این دو فرهنگ هرکدام ویژگی‌های خود را دارند و با وجود تداخل و تأثیر متقابل، باید جدا از هم نیز مورد بررسی قرار گیرند.<sup>۱</sup>

گردآوری مثل، اصطلاح و کنایه در فرهنگ عامه خود تألیف مستقلی را ضروری می‌سازد که پرداختن به آن حایز اهمیت ویژه‌ایست:

این بخش از فرهنگ ملی در مقیاس معتنا بهی با دستاوردهای مثلی در ادب رسمی درآمیخته است و جداکردن آن و در افزودن آن به‌مثلهایی که از تجربه زندگی مردم عامی کوچه و بازار حاصل شده و برگرفته از کلام حکیمان و اندیشمندان و شاعران نیست، کاری علمی و سترگ خواهد بود.

اگر هم گرایش اصحاب ذوقی، چون آقای حقیقت‌سمنانی به‌عنصر شعرگونگی و آهنگین‌مثلها باشد، این ویژگی در مثلهای عامیانه هم به‌مقیاس بسیار زیادی هست:

* تاپول داری رفیقم	عاشق بسند کیفیتم
* آشر کشک خالته	بخوری پاته نخوری پاته
* حسنی به‌مکتب نمی‌رفت	وقتی می‌رفت جمعه می‌رفت
* اینجا بشکنم یار گِله داره	اونجا بشکنم یار گِله داره <sup>۲</sup>

مثل در مجموع ادب عامه، دُر درخشانی است که از دریای بی‌کرانه فرهنگ ملی ایران

---

۱. در آفاری مانند «امثال و حکم» استادعلامه دهخدا و «داستان‌نامه بهمنیاری» به‌مثل‌های برگرفته از فرهنگ عامه، سهم بیشتری داده شده است. ظاهراً در تلقی این دو استاد، ویژگی اساسی مثل همان «قبول خاطر عوام» است.

۲. در مقدمه‌ای که استاد بهمنیار برداستان‌نامه بهمنیاری نوشته، توضیحات مفصلی پیرامون مثل، خاستگاه، تعاریف و کاربردهای آن داده است.

به فراوانی می‌توان به دست آورد.

اطلاق صفت «عامیانه» در بادی امر، خوانندهٔ مألوف با هنرهای بدیعی و عروضی را در مورد ساختمان ادبی مکتوبات عامیانه به اشتباه می‌اندازد.

در حالی که اکثر قریب به اتفاق مثلثای آهنگین عامیانه، ساختارهای ادبی جذّاب و زیبایی دارند، اگر از این دیدگاه مورد بررسی و نقد ادبی قرار گیرند آشکار می‌شود که تشبیهات بدیع استعارات ژرف و ایجاز نیرومند از ویژگی‌های برخی از مثلثای عامیانه است.

صنعت ایجاز، به تخصیص در این مثلث‌های شعرگونه، گاه به‌راستی شاهکار است. علاوه بر این‌ها، غلبه عنصر طنز برگسترهٔ مضمونی غالب ترانه‌های مثلثی، مقوله‌ایست که باید برای آن اهمیت فراوانی قایل شد.

چنانکه می‌دانیم، طنز از شاخصه‌های معتبر و کم‌نظیر هنر و ادبیات ایرانی است. هنر طنز، با نفوذ عمیق خود در ذوقیات و طبیعت مردم ما، در عین حال که به‌مثابه چاشنی؛ زندگی را از ملال و تکرار مبتذل رها نموده است، کاری‌ترین و برنده‌ترین سلاح مبارزه در حیات سیاسی و اجتماعی نیز بوده است.

طنز در فرهنگ ایران، از تعریفی که فرنگی‌ها از آن تحت عنوان «ساتیر Satir» دارند بسی فراتر می‌رود. هزل، هجو، شوخ‌طبعی، مزاح، طعنت و عناوین مشابه آنها که در حوزه‌های مختلف فرهنگ ادبی ایران به‌کار گرفته می‌شود، مجموعه‌ای عظیم و شگرف و چنان متنوع، پر رمز و راز و پیچیده است که تعریف آن بسیار دشوار است.

طنز، نزد ما ایرانیها تنها به‌قصد خندیدن و خندانیدن عمل نمی‌کند. ما از این شیوه هدفهای اساسی در نظر داریم، به‌نظر ما در پشت ظاهر تغییر یافتهٔ طنز ایرانی، درسهایی از اخلاق، اندرز، انتقاد، اخطار و هشدار و آنگاه تهاجم و ضربه نهفته است. امروز، پژوهشگران و علمای نقد ادبی بین طنز از یکسو و هزل و هجو از سوی دیگر، فرق اساسی می‌گذارند. در نزد شاعران بزرگ و اساتید متقدم ما، بی‌آنکه تعریف جامع و مانعی داده باشند، طنز و هزل و هجو حد و مرزی، نه‌چندان آشکارا داشته است.

وقتی مولوی بزرگ می‌گوید:

هزل تعلیم است آنرا جد شنو  
تو مشو برظاهر هزلش گرو  
هرجودی، هزل است پیش هازلان  
هزلها، جد است پیش عاقلان

۱. خوشبختانه در کتاب ضرب‌المثل‌های منظوم فارسی گهگاه به‌مثل‌های عوام اشاره شده مانند: ستاره کوره ماه نمی‌شه و... یا صنار جگرک، سفره قلمکار نمی‌خواد، سه پلشت آید وزن زاید... و غلیان بکشیم یا خجالت - قربان برم خدا را...

در اساس مسئله، طنز را، با تعریفی که امروز از آن داریم منظور نظر دارد. در تعریف امروزی از طنز که آنرا «بالاترین درجه نقد ادبی»<sup>۱</sup> ارزیابی کرده‌اند، آمده است که:

طنز، روش ویژه‌ایست که ضمن دادن تصویر هجوآمیزی از جهات مثبت و منفی و «ناجور» زندگی، معایب و مفاسد جامعه و حقایق تلخ اجتماعی را به صورت اغراق آمیز، یعنی زشت‌تر و بدترکیب‌تر از آنچه هست نمایش می‌دهد، تا صفات و مشخصات آنها روشن‌تر و نمایانتر جلوه کند و تضاد عمیق وضع موجود، با اندیشه یک زندگی عالی و مأمول آشکار گردد.<sup>۲</sup>

بدین ترتیب خیلی زود می‌توان آن منظور متعالی را که مولوی از «هزل» در نظر دارد، با اهداف حقیرانه‌ای از مقوله آنچه که مثلاً کمال‌الدین اصفهانی در قطعه زیر به کار برده است، دریافت:

هرآن شاعری کو نباشد هجاگو  
چو شیری است، چنگال و دندان ندارد  
خداوند امساک را هست دردی  
که الا هجا هیچ درمان ندارد

ضرب‌المثل‌های فارسی، عرصه تجلی این بخش از میراث فرهنگ ایرانی نیز هست. مثل‌های طنزی، حد و مرز ندارند و تقسیم‌بندی موضوعی آنها، طیف رنگارنگ و پر رمز و رازی را در چشم‌انداز صاحبان ذوق خواهد گسترده.

مؤلف فاضل و صاحب ذوق کتاب «ضرب‌المثل‌های منظوم فارسی» به این جنبه از کار خویش نیز نظر داشته است و گهگاه ابیاتی را که حامل چاشنی طنز هستند را برگزیده است. کوشش صمیمانه مولف، برای این که اثری هرچه مطلوب‌تر و ثمربخش‌تر ارائه کند، چشمگیر است با این حال از سر پاکدلی و تواضع تصریح کرده است که «هرگز تصور نشود که نگارنده مدعی است که تمام ضرب‌المثل‌های منظوم فارسی را در این کتاب جمع کرده است. دامنه ضرب‌المثل‌های منظوم فارسی به اندازه‌ای وسیع است که از مجموع آنها می‌توان دهها کتاب تهیه کرد که آن هم از عهده این ناچیز بر نمی‌آید.

تلاش ناشر کتاب «نشر گزاره» در این که چاپ، صفحه‌آرایی و صحافی کتاب پاکیزه و نفیس باشد - از غلطهای متعدد و متاسفانه ناگزیر که بگذریم - به‌ثمر نشست است و کتاب و ضرب‌المثل‌های منظوم فارسی در لباس دلچسب عرضه بازار کتاب شده است.

۱. چرنیشفسکی: کلیات، چاپ مسکو، نقل از: از صبا تا نیما ج ۲، ص ۳۶.

۲. از صبا تا نیما، همانجا.